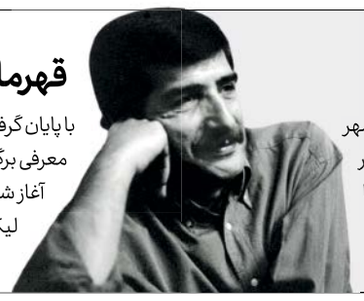
«آخرین بازی» از مرحوم استاد محمد



نمایش «آخرین بازی» به کارگردانی پارسوا پاکیزه از ۱۴ بهمن در تماشاخانه سیمرغ روی صحنه رفته است. مهر خبر داده که این نمایشنامه نوشته زنده‌یاد محمود استادمحمد است و رامین پرچمی و علی جمشیدی در آن بازی می‌کنند. آخرین بازی به ترس‌ها و دل‌مشغولی‌های یك بازیگر قدیمی می‌پردازد که پس از سال‌ها دوری از سینما در گوشه‌ای از جهان با یکی از هوادارانش روبه‌رو شده است.

قهرمان لیگ سرود کشور معرفی می‌شود



با پایان گرفتن رقابت ۳۳۷ گروه مختلف در قالب فصل اول لیگ سرود مرکز موسیقی «مأوا» مراسم معرفی برگزیدگان این رویداد موسیقایی بیست و نهم بهمن برگزار خواهد شد. این لیگ شهریور آغاز شد و مردادماه به پایان رسید اما مراسم اختتامیه این رویداد و مراسم معرفی قهرمان لیگ، ۲۹ بهمن در پردیس تئاتر تهران برگزار می‌شود.



سر عاشورا

روایت درخشان هادی حجازی‌فر و مهدی و حمید باکری

جشنواره گرفتیم و هر دو فیلم به نمایش درآمده، استاندارد، مهم و قابل قبول بودند و روند. اولین فیلمی که به نمایش درآمد نگهبان شب به کارگردانی رضا میرکریمی بود که مخاطب درآمده یعنی موقعیت مهدی به کارگردانی هادی حجازی‌فر هم این همراهی و همدلی با ها و نظرات مخالفی هم درباره این دو فیلم مطرح شده اما با همین وضعیت موجود نگهبان نگیز و از اندک آبروهای چهلمین جشنواره فیلم فجر هستند؛ آثاری که «لحظه» می‌سازند و وان محصول سیما فیلم به زندگی شهیدان مهدی و حمید باکری می‌پردازد و تبدیل به اثری مقدس می‌شود؛ فیلمی که به گفته هادی حجازی‌فر، اثری مستقل از سریال موقعیت مهدی یست. اما حالا و با درخشش موقعیت مهدی در جشنواره فیلم فجر، مخاطبان برای تماشای ا را برای مواجهه با یک اثر خوب تلویزیونی بالاتر برده است.

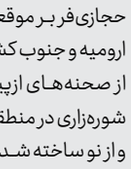
موقعیت‌های داستانی

شاید کماکان نقد فقدان قصه یا دست‌کم یک خطی داستانی جذاب و پرمایه بر فیلمی مثل موقعیت مهدی هم وجود داشته باشد؛ ایرادی که به دیگر فیلم جنگی و دفاع مقدسی این دوره جشنواره فیلم فجر یعنی دسته دختران هم وارد بود. با این حال حجازی‌فر با هوشمندی این ملات کم‌قصه را با ایجاد موقعیت‌های مختلف و تقسیم فیلم به شش پرده (کلت کمری، پلیور آبی، آخرین تماس، من مهدی باکری نیستم، موقعیت مهدی و لباس‌های خیس) جبران کرد. یعنی ما با شش موقعیت و خرده‌داستان مختلف روبه‌روییم که قصه‌هایی دارند. این داستان‌ها ضمن این‌که حکم نخ تسبیح را دارند و در کلیت روایت را پیش می‌برند و به پازل‌هایی برای تکمیل قصه اصلی تبدیل می‌شوند، متاثر از حضور کاریزماتیک و محوری قهرمان‌ها به‌ویژه مهدی باکری هم هستند.

پرکارترین نویسنده

نقش پررنگ ابراهیم امینی را نباید در موفقیت موقعیت مهدی نادیده گرفت؛ فیلمنامه‌نویس جوانی که فیلمنامه فیلم را همراه هادی حجازی‌فر نوشته است و از قضا امسال با نوشتن فیلمنامه سه فیلم، پرکارترین فیلمنامه‌نویس چهلمین جشنواره فیلم فجر است. به‌جز موقعیت مهدی، امینی یکی از فیلمنامه‌نویسان دیگر فیلم دفاع مقدسی این دوره یعنی دسته دختران هم است. او همچنین فیلمنامه مرد بازنده را هم با همراهی محمدحسین مهدویان و حسین حسنی نوشت. امینی عضو ثابت گروه مهدویان است و در نوشتن فیلمنامه آثاری چون ماجرای نیمروز، لاتاری، ماجرای نیمروز: رد خون، درخت گردو و مرد بازنده مشارکت داشته است.

قهرمانی که به دل می‌نشیند



سعیده نیک‌اختر

مستندساز و منتقد سینما

پیش از صحبت درباره فیلم «موقعیت مهدی» لازم می‌دانم مختصری درباره شخصیت کاری- هنری هادی حجازی‌فر توضیح دهم. هادی حجازی‌فر از معدود افرادی است که در بدو ورود به عرصه هنر یک‌سری تعاریف برای خود داشته که به نظر می‌رسد همچنان بر آنها پایبند مانده یا به زبان ساده‌تر حجازی‌فر هنرمندی است که «تکلیفش با خودش مشخص است». او از زمان کار در تئاتر همواره به مخاطب احترام می‌گذاشت و او را جدی می‌گرفت. او به هر موقعیتی (چه بازیگر، چه تهیه‌کننده، چه کارگردان و...) کاملا حرفه‌ای ورود می‌کند و این درحالی است که بارها دیده‌ایم هنرمندانی که بدون دانش و آگاهی مدام تغییر موقعیت حرفه‌ای می‌دهند و هیچ هدفی هم ندارند جز دیده شدن هر چه بیشتر. جمع‌بندی تمام دیدگاه‌هایی که حجازی‌فر نسبت به هنر و فعالیت خود دارد امروز می‌شود فیلمی به نام «موقعیت مهدی». او در این فیلم با احاطه کامل به نویسندگی، بازیگری، طراحی صحنه و... قدم محکمی در کارگردانی فیلم بلند سینمایی برداشته. این فیلم را من از سه جنبه شاخص ارزیابی می‌کنم؛ نخست از جنبه نگارش فیلمنامه. به این معنا که فیلم در درجه اول آشنایی‌زدایی می‌کند. یعنی می‌گوید من قصد معرفی «مهدی باکری» به مخاطب را دارم و بر این اساس شروع به شخصیت‌پردازی می‌کند و تمام اعماق، لایه‌ها، دغدغه‌ها و اهداف شخصیت مهدی باکری را به مخاطب عام معرفی می‌کند. به همین دلیل مخاطب در گام بعدی آمادگی این را دارد تا با یک اتفاق و کنش درگیر گره داستان شود. پس حجازی‌فر فیلمنامه را طوری نگاشته که انگار مخاطبش در ایران زندگی نمی‌کند و قهرمان شهیدش را نمی‌شناسد. بنابراین او را تمام و کمال به مخاطب معرفی می‌کند. مسأله مهمی که در بسیاری از فیلم‌های کنونی نادیده گرفته می‌شود. یعنی تعداد زیادی شخصیت وارد داستان می‌شوند، مدام با یکدیگر دیالوگ رد و بدل می‌کنند و مخاطب تا نیمه‌های فیلم صرفا درگیر تشخیص روابط آنها با یکدیگر است. از این منظر همان‌طور که گفتم آشنایی‌زدایی کردن در فیلم «موقعیت مهدی» از ویژگی‌های مثبتی است که می‌توان به آن تکیه زد. دیگر نکته مثبت فیلم طراحی صحنه آن است. حجازی‌فر بر موقعیت زمان و مکان فیلمش مسلط است. چیدمان منازل، لباس‌ها و... در ارومیه و جنوب کشور با هم متفاوت و کاملا یادآور سال‌های ابتدای دهه ۶۰ است. در این فیلم از صحنه‌های ازپیش‌ساخته شده شهرک دفاع مقدس استفاده نشده و آن را نزدیک شوره‌زاری در منطقه شهرک نور فیلمبرداری کردند. پس تمام موقعیت‌ها در این فیلم بازسازی و از نو ساخته شده که همین امر مجددا باعث آشنایی‌زدایی می‌شود. به عبارت دیگر مخاطب با دیدن تصویری از این فیلم فکر نمی‌کند که مشابه همین صحنه را در ۱۰ فیلم جنگی دیگر نیز دیده است. سومین نکته شاخص در این فیلم موسیقی اثرگذارش است که همانند یک کاراکتر عمل می‌کند. ما تلفیقی از ملودی‌ها و نواهای بومی و آذری را تا موسیقی جنگ و حماسه و ملودرام در این فیلم می‌شنویم و این نواها به‌قدری خوب با هم تلفیق شده‌اند که به نوعی پیش‌برنده داستان هستند، به‌خصوص در پلان نهایی که موسیقی، اثرگذاری انتهای فیلم را برای مخاطب دوچندان کرده. «موقعیت مهدی» به دور از سفارش و شعار و تقدس‌نمایی نمادین، قهرمانی واقعی را در پنج پرده معرفی می‌کند. قهرمانی که به دل مخاطب خوش می‌نشیند.

> حجازی‌فر فیلمنامه را طوری نگاشته که انگار مخاطبش در ایران زندگی نمی‌کند و قهرمان شهیدش را نمی‌شناسد. بنابراین او را تمام و کمال به مخاطب معرفی می‌کند. مسأله مهمی که در بسیاری از فیلم‌های کنونی نادیده گرفته می‌شود

به تأثیرگذاری

طعا ساخت فیلم جنگی به‌دلیل اکشن‌های عظیم بسیار سخت است؛ چرا ینمای دفاع مقدس در دهه ۶۰ و ۷۰ توانست یر جامعی را از جنگ به درست‌ترین شکل ن نشان دهد. به این دلیل که فیلمسازان گ در آن زمان فضای جنگی را زیست بودند. بنابراین آنچه که در فیلم‌های درویش تمی‌کیا و ملاقلی‌پور به‌عنوان جنگ شکل ه بیش از حد تأثیرگذار بوده و حتی گزارش ر شرایط کنونی سینمای دفاع مقدس تنها با خاطب ساخته می‌شود. «موقعیت مهدی» ساخته هادی حجازی‌فر یک اثر بیوگرافی از شهید مهدی باکری و نسخه سینمایی از یک سریال چندقسمتی است. با این‌که کارگردان گفته این فیلم از نسخه سریالی مجزاست اما احساس می‌شود این فیلم به‌دلیل حساسیت‌ها و التهاب‌هایی که دارد نتوانسته به یک اثر سینمایی تبدیل شود. یعنی مدیوم قالب سریال تلویزیونی یا یک تله‌فیلم است. به همین دلیل معتقدم که این فیلم سینمایی نمی‌تواند ایده خود را گسترش بدهد و به همین دلیل فیلم تبدیل به یک گزارش شده نه بیوگرافی. چراکه انگار نمی‌شود در ۹۰ دقیقه مهدی باکری را در قالب یک اثر سینمایی معرفی کرد؛ کما این‌که این شهید با وقوع انقلاب اسلامی نقش فعالی در سازماندهی سپاه داشته. او به‌عنوان فرمانده لشکر در تعداد زیادی از عملیات‌ها حضور داشته و نقش او در جنگ به‌عنوان یک فرمانده مهم بوده اما در فیلم سینمایی «موقعیت مهدی» فیلمساز تنها گذری داشته است از مقاطع احساسی زندگی او. به‌طوری‌که در خاطرات گفته می‌شود وقتی خبر شهادت برادر شهید مهدی باکری را به او می‌دهند، می‌گوید تمامی رزمندگان برادران من هستند. اگر جنازه بقیه را توانستید برگردانید جنازه برادر مرا هم بیاورید. فیلمساز اما بخش میانی فیلمش را فقط به این موضوع پرداخته؛ موضوعی که جدا از سینمای جنگ است و نشانه‌های تراژیک دارد که باعث تأثیرگذاری در مخاطب می‌شود و این در حالی است که می‌دانیم سینمای جنگ و دفاع مقدس در نشان دادن رشادت‌ها خلاصه می‌شود نه صحنه‌هایی ملودراماتیک. این نکته در نسخه سریالی حجازی فر قطعا به پرداخت لازم رسیده اما چه اصراری بوده که حتما این نسخه سینمایی ساخته شود. آن‌هم در شرایطی که کلیت موضوع فدای بخش‌هایی شده که اثرگذاری جنگی ندارد. به نوعی با این‌که فضا و موقعیت جنگی ساخته و پرداخته شده اما معلوم است که سوژه و ایده و آنچه که قرار است یک بیوگرافی باشد در نسخه سینمایی به نتیجه نرسیده. در فیلم «ایستاده در غبار» بیوگرافی از صفر تا صد به‌درستی شکل گرفته آن‌هم در زمان محدود سینمایی اما در «موقعیت مهدی»، مهدی باکری برای مخاطب نمی‌تواند تبدیل به یک شخصیت مستقل و قهرمان شود که این می‌تواند به دلیل زبان ترکی فیلم یا این‌که باکری در چند سکانس مهم حضور ندارد هم باشد و اضافه کنید به آن‌که فیلم موقعیت مشخصی را نشانه گرفته و در چند پرده روایت می‌شود. به نظر می‌رسد این چند پرده نمی‌تواند شهید باکری را به مخاطب سینمایی معرفی کند. یعنی زمان ازدواج یا شهادت برادر و چند سکانس حضور او در جبهه تا لحظه شهادتش گرچه باورپذیر نسبی دارد اما بخش بیوگرافی‌اش کافی نیست. البته به این معتقدم که در نسخه سریالی «موقعیت مهدی» به مراتب با فیلمنامه منسجم‌تری مواجهم اما در شرایط فعلی «موقعیت مهدی» از اثر بیوگرافی فاصله گرفته و به سکانس‌های تاثیرگذار بسنده کرده که البته این تاثیرگذاری همچنان می‌تواند برای مخاطب عام اثر داشته باشد و در پایان البته نباید سعی و تلاش حجازی‌فر برای رسیدن به هدفش را نادیده گرفت که در فیلم کاملا مشهود است.

رضا میرکریمی در «نگهبان شب» بار دیگر قدرت فیلمسازی خود را به رخ دیگران کشید

داستان درخشش یک جوان گمنام



فرهنگ و هنر

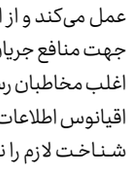
مهم‌ترین پرسشی که برای هرکس که فیلم «نگهبان شب» به کارگردانی رضا میرکریمی را ببیند، برایش مطرح می‌شود این است که بازیگران به‌خصوص بازیگر نقش اصلی این فیلم چگونه انتخاب شده‌اند؟ میرکریمی در نشست رسانه‌ای فیلمش به این پرسش پاسخ گفت و روند انتخاب بازیگر برای فیلم را تشریح کرد و گفت: من در سفرهای کاری با علاقه‌مندان به بازیگری زیادی مواجه می‌شوم و معمولا قول می‌دهم که پیگیر باشم. برای این فیلم هم چون با کرونا مواجه شدیم، سایتی طراحی کردیم که در مدت دو روز ترکید و بیش از ۱۳ هزار نفر فیلم فرستادند. پس از بررسی‌هایی به جمع هزار نفری رسیدیم که دیگر خودم بررسی کردم و به یک جمع ۵۰۰ نفری رسیدیم که از آنجا حضوری بررسی می‌کردیم. وی خاطرنشان کرد: تورج الوند در همه مراحل بالا می‌آمد و برای نقش دایی هم گرچه آقای اصانلو را به‌واسطه همشهری‌بودن می‌شناختم اما هیچ‌گاه جدی فکر نکرده بودم در صورتی که ایشان از سرآمدان تئاتر زنجان هستند و فروتنانه از خودشان فیلم گرفتند و من بعد از دیدن آن ویدئو، شک نداشتم که ایشان بهترین انتخاب است. تورج الوند که بازی خوبش در این فیلم نشان از انتخاب درست میرکریمی دارد؛ این روند را این‌طور تعریف کرد: این فیلم پنجمین فیلمی بود که برای آن تست بازیگری می‌دادم و هربار با وجود ردشدن از این که به بهترین خودم را ارائه داده بودم، راضی برمی‌گشتم تا این که در نهایت با خود آقای میرکریمی و با یک شیوه درخشان تست‌گیری از طرف ایشان روبه‌رو شدم. برای این فیلم انتخاب شدم و به آقای میرکریمی گفتم آنقدر در این فیلم خوب بازی خواهم کرد که مخاطب فرق بین من و یکی از بومیان کرمان را تشخیص ندهد. بازیگر دیگری که در این فیلم، بازی خوبی از خود به نمایش گذاشته بود، محسن کیایی بود که درباره همکاری با این پروژه گفت: در کارنامه هر بازیگری کارکردن با آقای میرکریمی باعث افتخار است و خیلی چیزها یاد گرفتم. میرکریمی دانش بسیار خوبی دارد و رفیق خوبی برای بازیگران است؛ البته بازیگرانی که در این فیلم هستند همه بازیگرند، مثلا تورج الوند قبلا بازی داشته ولی جلوی این دوربین برای اولین‌بار به این شکل دیده شد و امیدوارم به اشتباه تلقی نشود که اینها آماتور نیستند. دقیقا همین موضوع برایم چالش بود که در مقابل بازیگران بکر، گل درشت نباشم. خوشحالم که وقتی در این سالن نشستم و فیلم را دیدم مجبور نبودم خودم را در درز صندلی فرو کنم. لاله مرزبان از بازیگران فیلم نگهبان‌شب که پس از تجربه کار تئاتر برای اولین‌بار در یک فیلم سینمایی بازی می‌کرد، گفت: هیچ احتمالی نمی‌دهم که جزو نامزدهای سیمرغ باشم. کارکردن با آقای میرکریمی برایم آرزو بود و همین‌جا بودن برایم کافی است. همکاری با آقای میرکریمی برای هر بازیگری می‌تواند یک تجربه فوق‌العاده باشد.

خودانتقادی کارگردان

میرکریمی در این نشست یک انتقاد هم به فیلم خودش کرد؛ انتقادی به ریتم فیلم و گفت: اگر رسانه‌ها منتشر نکنند باید بگویم ریتم فیلم بعضی جاها خیلی تند بود که خودش یک ضعف محسوب می‌شود. وی در پاسخ به این پرسش که چرا چاشنی سیاست در فیلم بسیار کم بود، گفت: جهان فیلم جهانی است که روایت آن منطبق بر نگاه شخصیت اصلی فیلم و تجربه‌ای که او در مسیر درک می‌کند، است. همه ماجراهای جانبی فیلم فضایی هستند که کاراکتر از آنها عبور می‌کند و نمی‌خواستم آنها را حذف کنم. هدف اصلی فیلم سیاسی نیست، بلکه هدف خود آدم‌های فیلم و مخصوصا شخصیت اصلی هستند. میرکریمی در ادامه درباره این که چرا یک فیلم صریح سیاسی نمی‌سازد، خاطرنشان کرد: هر کسی طبیعت خاص خودش را دارد. من به‌شخصه فکر می‌کنم بیان دغدغه‌های سیاسی در فضای یک درام اجتماعی درست‌تر و ماندگارتر است. من معمولا در زندگی عادی هم آدم صریحی نیستم و در فیلم‌هایم هم همین‌طور هستم. میرکریمی در پاسخ به این پرسش که آیا نگهبان‌شب یک نقد رسمی به فضای سیاسی-اجتماعی جامعه است، خاطرنشان کرد: نقد واژه سنگینی است این فیلم یک شرح حال است. یکی از صحنه‌های جالب فیلم حضور کیومرث پوراحمد به‌عنوان یکی از بازیگران نقش‌های کوتاه در آن است. میرکریمی درباره انتخاب همکارش به‌عنوان بازیگر گفت: این نقش کوتاه را ابتدا قرار بود، کس دیگری بازی کند اما وقتی جلوی دوربین رفت، احساس کردم درنمی‌آید. همان صبح که این اتفاق افتاد چون با پوراحمد رفاقت دارم به او زنگ زدم و با این‌که صبح‌ها همیشه دیر بیدار می‌شود از شانس خوب ما وقتی زنگ زدم بیدار بود و قبول کرد که بیاید و یک ساعت بعد سر صحنه بود.

یادداشت

پویش اطلاع‌رسانی لازمه آگاهی افکارعمومی



مهدی توکلیان

عکاس و روزنامه‌نگار

تنویر افکارعمومی، تنور داغ روشنگری با رویکرد اطلاع‌رسانی در بستر جوامع در حال توسعه است. ضرورت توجه به افکارعمومی بر هیچ نواندیش و اندیشمندی پوشیده نیست. هرگونه ارتباط سازمان‌یافته با اعضای جامعه برای شکل دادن به افکارعمومی به طراحی و پیاده کردن «ساختارهای اطلاع‌رسانی» نیاز دارد. این ساختارها در هر جامعه‌ای بر اساس مختصات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... آن جامعه طراحی و پیاده می‌شود و می‌تواند محلی، ملی یا فراملی باشد. ساختارهای اطلاع‌رسانی جنبه‌های مختلف (فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و...) دارد و به این دلیل به «جریان»های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وابسته‌اند. این وابستگی مبنای موضع‌گیری‌ها، گرایش‌ها و قبض و بسط روند اطلاع‌رسانی است. به بیان دیگر وابستگی‌های ساختارهای اطلاع‌رسانی به جریان‌های فعال در هر جامعه، به عنوان فیلتر روند اطلاع‌رسانی عمل می‌کند و از این طریق افکارعمومی را در جهت منافع جریان‌های متبوع شکل می‌دهد. اغلب مخاطبان رسانه‌ها به دلیل غرق بودن در اقیانوس اطلاعات متکثر نسبت به آن آگاهی و شناخت لازم را ندارند. ناآگاهی مخاطبان رسانه‌ها از این موضوع بدیهی، فضای ذهنی مطلوبی را برای جریان‌های فعال در جامعه فراهم می‌کند تا مخلوطی از کذب و حقیقت، یا واقعیت و تخیل را به عنوان حقیقت صرف یا واقعیت کامل به خورد مخاطبان خود بدهند. برای این‌که ارائه صحیح افکارعمومی صورت پذیرد، لازم است به پویش اطلاع‌رسانی تسلط داشته‌باشیم.

پویش اطلاع‌رسانی به مجموعه فعالیت‌های هماهنگ اطلاع‌رسانی، ارتباطی و آموزشی با استفاده از ترکیبی از کانال‌های متعدد و متنوع اطلاع‌رسانی به منظور انتقال پیام‌های موردنظر به جمعیتی مشخص در یک دوره محدود بر اساس اهداف برنامه گفته می‌شود که در عصر رسانه‌های نوظهور و بر اساس تغییرات ماهیت و کارکرد رسانه‌ها ضرورت آشنایی به شبکه‌های اجتماعی و شیوه‌های مدرن اطلاع‌رسانی برای تنویر افکارعمومی ضروری است. برای راه‌اندازی یک جنبش یا پویش اطلاع‌رسانی یا به اصطلاح کمپین اطلاع‌رسانی اجتماعی باید راه‌ها و کانال‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی را مشخص کرده و پیامی را که می‌خواهیم به مخاطب منتقل شود، تدوین کنیم.

از این منظر، همه جریان‌های موجود و فعال در جامعه در حوزه‌های مختلف، پیوسته در حال تولید مضمون و محتوا برای تزریق به ساختارهای اطلاع‌رسانی هستند. در این چشم‌انداز گسترده اطلاع‌رسانی، از یک سو با اغتشاش مواجه می‌شویم و از سوی دیگر با واگرایی یا همگرایی جریان‌ها در ساختار اطلاع‌رسانی. اغتشاش زمانی بروز می‌کند و غلبه می‌یابد که جریان‌های فعال و مؤثر در این ساختارها از مبنا با هم اختلاف داشته‌باشند و بسترهای کلی و چارچوب‌های اصلی را نپذیرفته یا خطوط قرمز را زیر پا بگذارند. واگرایی یا همگرایی نیز زمانی در این چشم‌انداز دیده می‌شود که جریان‌های در مبنا، توافق داشته‌باشند و بسترها و چارچوب‌های کلی را رعایت‌کنند.

برای این‌که درکی صحیح از افکارعمومی داشته‌باشیم باید تعریف دقیق و جامعی از آن ارائه کنیم. افکارعمومی چیزی از پیش موجود نیست و مفهومی متغیر و سیال است و در حوزه جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسان افکارعمومی را محصول «تعامل اجتماعی» و «ارتباط» می‌دانند. با نگاه جامعه‌شناسانه تا زمانی که اعضای یک جامعه با یکدیگر روابط اجتماعی برقرار نسازند، افکارعمومی موجودیتی نخواهد داشت. حتی اگر نظرهای افراد جامعه به هم نزدیک باشد، باز هم باورهای آنها در کنار هم افکارعمومی را شکل نخواهد داد تا زمانی که نظرهایشان از طریق رسانه‌ها یا مکالمه تلفنی یا رودررو به هم منتقل شود. بنابراین جامعه‌شناسان برای افکارعمومی در یک زمان خاص و در مورد موضوعی خاص، احتمال وجود افکارعمومی مختلفی را مطرح می‌کنند. همچنین ساختارهای اطلاع‌رسانی و جریان‌های مؤثر بر آنها از مهم‌ترین عرصه‌های نفوذ به شمار می‌روند و به راحتی به روش‌های مختلف، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند.